شکایت زن آرایشگر از شوهر آزارگر

گروه حوادث/ کامران علمدهی: مرد میانسالی که متهم است بارها دخترهمسرش را مورد آزار قرار داده در حالی محاکمه شد که مادربزرگ این دختر راز سیاه را برملا کرده بود.

به گزارش «ایران»، اواخر سال گذشته زن ۴۰ساله‌ای با مراجعه به پلیس از همسرش به اتهام آزار دختر ۱۸ ساله‌اش شکایت کرد و گفت: «۳ سال قبل زمانی که دخترم ۱۵ ساله بود از همسرم جدا شدم و چون دخترم با من زندگی می‌کرد برای امرار معاش در یک آرایشگاه مشغول به کار شدم. بعد از مدتی متوجه شدم یکی از همکارانم که با او دوستی نزدیکی هم داشتم با شوهرش اختلاف دارد و در آستانه جدایی هستند چون من به خانه آنها رفت‌وآمد داشتم و شوهرش مرا می‌شناخت وقتی دوستم را طلاق داد با من ازدواج کرد و حالا هم یک پسر دوساله داریم. زندگی خوبی داشتم تا اینکه چند روز قبل مادرم موضوعی را برملا کرد که شوکه شدم. او گفت همسرت در غیاب تو دخترت را آزار می‌دهد و چون تهدیدش کرده که به تو حرفی نزند او هم ماجرا را به من گفت و درخواست کمک کرد.»

در ادامه همسر این زن بازداشت شد و گفت: «من اصلاً چنین کاری انجام نداده‌ام و نمی‌دانم چرا از من شکایت شده است.» پس از این اظهارات قاضی دستور داد تا متهم با دختر شاکی روبه‌رو شوند.

در این جلسه که در شعبه ۳ دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد، متهم وقتی در مقابل شاکی قرار گرفت به ناچار لب به اعتراف گشود و گفت: «من فقط یکبار با او رابطه داشتم و آن هم با رضایت خودش بود نه به زور و نمی‌دانم چرا از من شکایت کرده است.»

پس از اظهارات متهم، شاکی بار دیگر به شرح ماجرا پرداخت و اظهار کرد: «در ۳ سالی که متهم با مادرم ازدواج کرده بود حدود۷ بار من را مورد تعرض قرار داد و از آنجا که می‌دانست من به برادر و مادرم خیلی وابسته هستم مدام تهدیدم می‌کرد که اگر به کسی حرفی بزنی هم مادرت را می‌کشم و هم از دیدن برادرت محرومت می‌کنم.»

پس از این اظهارات قضات برای تصمیم‌گیری درباره این پرونده وارد شور شدند.

به خاطر تعرض به ۴ دختر نوجوان

کارگردان سینما به یک قدمی چوبه دار رسید

گروه حوادث/ کارگردان سینما که به ۴ دختر دانش‌آموز تعرض کرده و به اعدام محکوم شده بود، در یک قدمی چوبه دار قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از تابستان سال ۱۴۰۱ با شکایت دختر نوجوانی از یک کارگردان سینما مبنی بر تعرض به وی آغاز شد. دختر ۱۵ ساله وقتی مقابل افسر اداره شانزدهم پلیس آگاهی قرار گرفت؛ با افشای این راز سیاه گفت: «به خاطر علاقه به بازیگری در یک آموزشگاه ثبت نام کردم. پس از چند جلسه خانمی که مربی آموزشگاه بود با من طرح دوستی ریخت و به من گفت اگر می‌خواهی در بازیگری پیشرفت کنی، کارگردانی را می‌شناسم که ارتباطات خوبی در سینما دارد و می‌تواند تو را به پروژه‌های سینمایی معرفی کند. علاوه بر اینها، او قدرت ماورایی دارد و در زمینه پاکسازی روح می‌تواند به تو کمک کند تا در کارت پیشرفت کنی. حرف‌های این زن آنقدر در من تأثیر گذاشت که به همراه او راهی خانه کارگردان شدم اما وقتی به آنجا رفتیم، زن جوان به بهانه‌ای مرا با کارگردان تنها گذاشت و مرد میانسال به من تعرض کرد.»

با شکایت دختر نوجوان، تحقیقات آغاز شد و در ادامه سه شکایت مشابه دیگر علیه کارگردان مورد نظر به پلیس رسید. با تکمیل تحقیقات، کارگردان ۵۰ ساله در خانه ویلایی‌اش در شمال شهر به اتهام تجاوز به ۴ دختر بازداشت شد.

در ادامه برای این کارگردان به اتهام زنای به عنف و برای خانم مربی به اتهام معاونت در زنای به عنف کیفرخواست صادر شد و هر دو متهم در شعبه ۶ دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه رفتند و قضات پس از بررسی مدارک و شواهد و شنیدن اظهارات متهمان و شاکی‌های پرونده، سرانجام مرد کارگردان را به اعدام و ۹۹ ضربه شلاق و همدستش را به ۱۵ سال حبس و ۳۰ ضربه شلاق محکوم کردند. اما متهمان به رأی صادره اعتراض کردند و بار دیگر متهمان در شعبه هم‌عرض پای میز محاکمه رفتند.

زمانی که کارگردان میانسال برای بار دوم در جایگاه ویژه قرار گرفت، ارتباط با دختران را قبول کرد و مدعی شد چون همسرش مدام به خاطر فعالیت‌های کاری در مسافرت بوده، مجبور شده دست به چنین کاری بزند.

قضات دادگاه کیفری نیز بار دیگر کارگردان را به اعدام و ۹۹ ضربه شلاق و همچنین خانم مربی را نیز به خاطر معاونت به ۲۰ سال حبس محکوم کردند.

در حالی که متهم در یک قدمی چوبه دار قرار داشت، بار دیگر درخواست اعاده دادرسی داد و حکم اعدام وی برای دومین بار نقض و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۰- هم‌عرض- فرستاده شد. اما پس از سومین محاکمه نیز قضات دادگاه کیفری او را به اعدام محکوم کردند و با تأیید این حکم در دیوان عالی کشور، پرونده وی و همدستش برای اجرای حکم به دادسرای امور جنایی تهران ارجاع شد و نام این کارگردان میانسال در فهرست اجرای حکم اعدام قرار گرفت.

سرقت دستبند یک میلیاردی روی پل هوایی

گروه حوادث: سارق خشن که با ضرب‌وشتم یک زن روی پل هوایی شرق تهران، دستبند طلای او را سرقت کرده بود از سوی پلیس دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، زن جوانی با مراجعه به پلیس از سرقت دستبند طلای خود خبر داد و گفت: «روی پل هوایی در شرق تهران می‌رفتم که ناگهان مردی به من حمله کرد و می‌خواست دستبندم را سرقت کند، وقتی مقاومت کردم بشدت مرا کتک زد و دستبندم را که حدود یک میلیارد تومان قیمت داشت، سرقت کرد و رفت.»

سرهنگ امین‌الله بیرانوند، فرمانده پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: «با این شکایت پرونده به صورت ویژه در دستورکار کارآگاهان تیم مبارزه با زورگیری پایگاه چهارم قرار گرفت. کارآگاهان پلیس آگاهی در جریان اقدامات پلیسی و پی‌جویی‌های صورت گرفته در روند تحقیقات، موفق شدند رد متهم را با بهره‌گیری از اقدامات اطلاعاتی بزنند. در بررسی‌های تکمیلی مشخص شد سارق برای متواری شدن از صحنه جرم، از یک دستگاه موتورسیکلت متعلق به شرکت‌های پیک موتوری اینترنتی استفاده کرده است.»

سرهنگ بیرانوند با اشاره به شناسایی هویت سارق تصریح کرد: «با مشخص شدن مالکیت موتورسیکلت و هویت متهم، کارآگاهان با هماهنگی قضایی طی یک عملیات غافلگیرانه در مرکز تهران، وی را دستگیر و اموال مسروقه را از مخفیگاهش کشف و ضبط کردند.»

وی با بیان اینکه متهم در تحقیقات پلیسی به ارتکاب سرقت‌های مشابه دیگر نیز اعتراف کرده است، خاطرنشان کرد: «مالباختگانی که به این شیوه مورد سرقت قرار گرفته‌اند، می‌توانند برای شناسایی متهم به پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ مراجعه کنند.»

این مقام انتظامی با هشدار نسبت به پیامدهای طمع‌ورزی مجرمان گفت: «طلا به عنوان عامل محرک در وسوسه سارقین برای ارتکاب جرم است و گاهی طمع دستیابی به این فلزگران‌بها، وجدان انسانی را لگدمال می‌کند؛ بنابراین به شهروندان توصیه می‌کنم از حمل اموال ذی‌قیمت در معابر کم‌تردد و ملأعام اکیداً پرهیز کنند.»

مرد نابینا همسر اسیدپاش خود را بخشید

گروه حوادث: مرضیه همایونی/ مرد جوان که با اقدام کینه‌جویانه همسرش و اسیدپاشی او، چشم راست خود را از دست داده بود، بعد از گذشت ۹ سال او را بخشید.

به گزارش «ایران»، شهریور سال ۱۳۹۶ همسایه‌ها با صدای سوختم سوختم مرد جوانی، از خانه‌ها بیرون دویدند و مرد همسایه را دیدند که از ناحیه صورت و بدن دچار سوختگی شده بود. وی بلافاصله به بیمارستان سوانح و سوختگی منتقل شد و تحت درمان قرار گرفت اما شدت سوختگی در حدی بود که باعث کوری چشم راست و آسیب به بدن و صورتش شده بود. مرتضی پس از بهبودی نسبی گفت: «همسرم عامل اسیدپاشی است. من با او اختلاف داشتم و شب حادثه خواب بودم که با سوزش شدیدی از خواب بیدار شدم. وقتی چشم باز کردم، همسرم را دیدم که با ظرفی در دست اتاق را ترک کرد.»

سناریوی دروغین

با اظهارات مرتضی، به دستور بازپرس جنایی؛ زن جوان بازداشت اما منکر اسیدپاشی شد و گفت: «در خانه بودم که ناگهان در باز شد و دو مرد که صورت‌هایشان را پوشانده بودند، وارد شدند. آنها سراغ همسرم را گرفتند و بعد به اتاق خواب رفته و به روی شوهرم اسید پاشیدند و متواری شدند.»

با اظهارات زن جوان، کارآگاهان اداره شانزدهم پلیس آگاهی پایتخت به بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل حادثه پرداختند. اما دوربین‌ها هیچ ورود و خروجی را ثبت نکرده بودند. از طرفی در ورودی سالم بود و در تحقیقات مشخص شد که مرتضی با همسرش اختلاف داشته است.

این بار زن جوان به اسیدپاشی اعتراف کرد و گفت: «همسرم مدام به من ایراد می‌گرفت و می‌گفت چرا همیشه در فضای مجازی هستی. اما من هیچ دلخوشی‌ای در زندگی نداشتم و سرم را با فضای مجازی گرم می‌کردم اما شوهرم مرا مجبور می‌کرد که از آن دوری کنم. اختلاف‌های ما روز به روز بیشتر می‌شد تا اینکه شب حادثه باز هم دعوایمان شد و تصمیم گرفتم که به رویش اسید بپاشم.»

گذشت از مجازات همسر

با اعتراف زن جوان به اسیدپاشی، مرتضی خواهان قصاص چشم همسرش شد اما قضات دادگاه اعلام کردند که کوری چشم راست با اسید ممکن است به چشم چپ زن جوان آسیب برساند به همین دلیل امکان قصاص وجود ندارد. در نهایت زن اسیدپاش با رأی دادگاه محکوم به ۵ سال حبس و پرداخت دیه شد.

در زمانی که زن جوان در زندان به سر می‌برد؛ شوهرش او را طلاق داد تا اینکه ۳ سال بعد از این حادثه زن جوان توانست با سپردن وثیقه از زندان بیرون بیاید و در حالی که پرونده اسیدپاشی همچنان باز بود و هنوز زن جوان دیه را پرداخت نکرده بود، روز گذشته مرتضی به دادسرای امور جنایی تهران رفت و از همسرش گذشت کرد.

او گفت: «در تمام این سال‌ها به خاطر از دست دادن چشم و سوختگی صورت و بدنم خیلی آسیب دیدم. اما بچه‌هایم از من بیشتر آسیب دیدند. آنها هم مادرشان را از دست دادند و هم پدرشان را چون در این سال‌ها من مدام در مراکز درمانی بودم. هم کور شدم و هم سلامتی‌ام از دست رفت. من دلم نمی‌خواهد بچه‌هایم بیشتر از این آسیب ببینند به همین دلیل تصمیم گرفتم از شکایتم صرف نظر کنم.»

مرد جوان ادامه داد: «من می‌خواستم همسرم قصاص شود؛ شاید اگر به حکم اعتراض می‌کردم، می‌توانستم او را قصاص کنم اما به خاطر بچه‌هایم از او گذشتم. از طرفی در این سال‌ها من ۴ میلیارد تومان برای درمان چشم و اعضای بدنم هزینه کرده‌ام و به گفته پزشکان باید حدود ۴۰۰ میلیون تومان دیگر هم بپردازم الان هم از او می‌خواهم فقط پولی که برای ادامه درمانم نیاز دارم را پرداخت و به عنوان مادر بچه‌هایم از آنها مراقبت کند.»

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۹۰۴۸

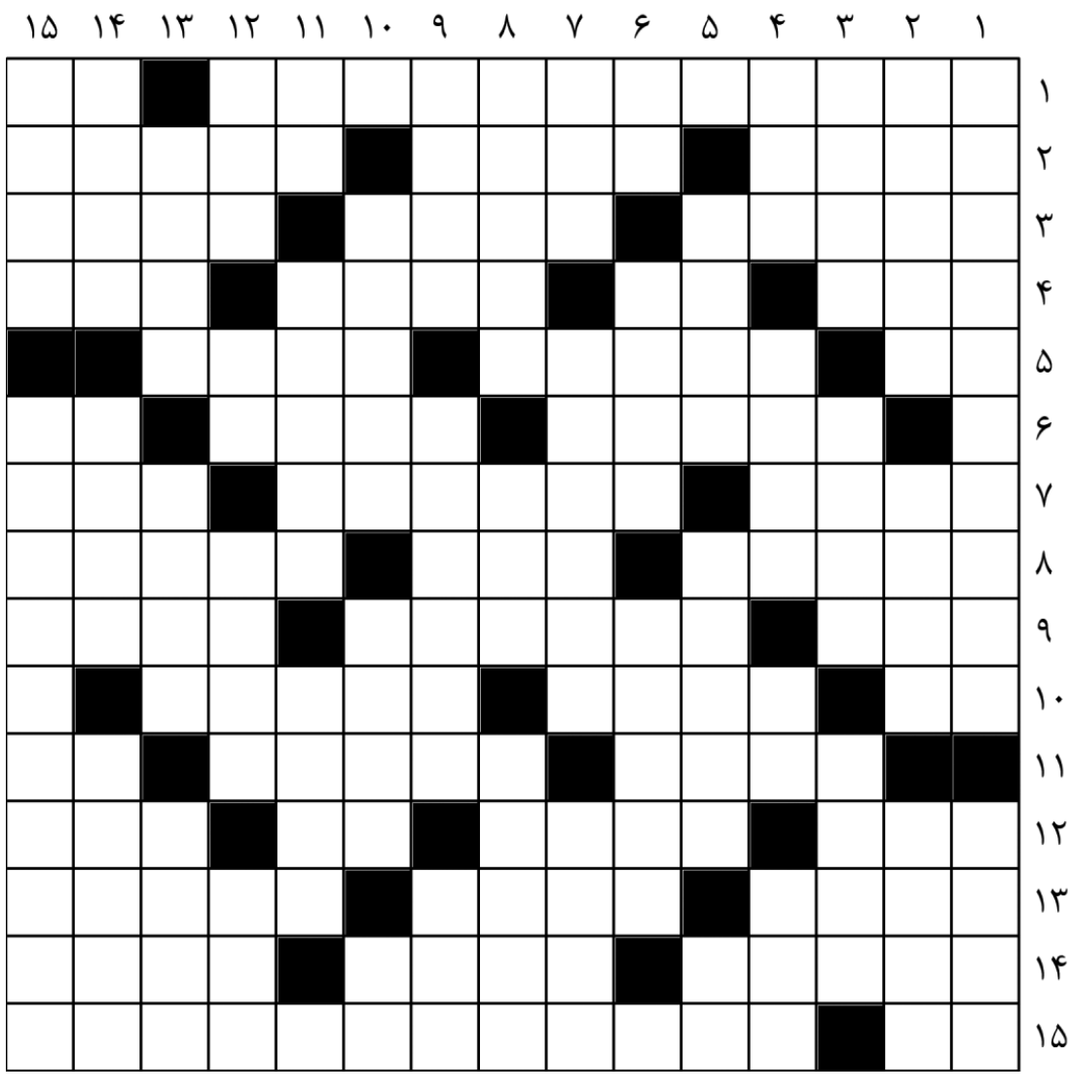

جدول عادی

افقی

۱- شاعر الهی‌نامه- صدمه
۲- اندام بویایی- خنک کننده تابستان- لباسی زنانه
۳- نام مردانه- مقابل «حمله» در ورزش- رابط الکتریکی
۴- داخل شو!- راوی- صفت سیب‌زمینی!- علف خشک
۵- احسنت- هدیه چهره‌گشایی- کنکاش
۶- گوشه‌گیر شدن- صدای اسب- لنگه
۷- یکی از بهترین دانه‌های روغنی- مقروض- بم‌ترین صدای مرد در موسیقی
۸- از وسایل آموزشی- جایز- هماهنگ، جور
۹- جد- کار زراعی- سودمند
۱۰- هالوژن نمک طعام- آمد و شد- کارتون قدیمی
۱۱- رهبر حزب کمونیست- خبرگزاری کشورمان- من و شما
۱۲- حالت بیهوشی- غیرکامل و نیمه‌کاره- تعجب بانو- قدیمی‌ترین پایتخت جهان
۱۳- گروهی از افراد که کار مشترکی انجام می‌دهند- دائم و همیشه- عابد نصرانی معروف
۱۴- نخ سوزان چراغ- ذرات معلق هوا- پشیمان
۱۵- خمره بزرگ- سریالی از شبکه سوم به کارگردانی محمد اسفندیاری که ماه قبل پخش آن به اتمام رسید

عمودی

۱- شاعر و لطیفه‌پرداز ایرانی- قهوه‌خانه مدرن
۲- هواپیما- مژده و بشارت- مدرسه‌های سبک قدیم
۳- از دروس- کاراندازی- صفحات داخلی روزنامه
۴- دورویی- ابزاری در مطبخ- هزار کیلو- موی مژه
۵- اسرار- دنیا و آخرت- دانه خوشبو
۶- عدد تنها- یکی از چهار جهت- رسوا، بی‌آبرو
۷- مضارع التزامی «شدن»- مرکز کشور ماتادورها- ممنوع
۸- نشانه‌های نوشتاری- در آن غوطه‌وریم- برخورد کردن
۹- به‌خاطر اینکه- صیاد- خزنده نیش‌دار
۱۰- نام پسرانه- پول اروپای متحد- شهر رازی
۱۱- پایتخت «ایتالیا»- گوهرفروش- کباب این شهر معروف است
۱۲- گل ناامید!- مخفف راه- کشوری در شرق آفریقا- رنگ موی گیاهی
۱۳- مداد باریک‌نویس- به خاطر آن- غلام سلطان محمود
۱۴- تکیه کردن- افسوس خوردن- دودل
۱۵- مخفف کوتاه- تقاضای ترک شغل

جدول ویژه

افقی

۱- کتاب میرزا محمد نامی- دختر
۲- نژاد مردم ایران- سریال احمد کاوری- بهتان زدن
۳- غیر خالص- قسمی چراغ- نسل بعد از چراغ‌های نفتی یا چراغ فنر
۴- به‌معنی بیزار- ضمیر جمع- مشکی- مسافرت دسته‌جمعی
۵- مترادف «آشغال»- آنچه از دست رفته- خانه شاه‌نشین
۶- پونه صحرایی- پرخور- بزرگ‌منشی
۷- سفت و سخت- فیلم «دانیل مونتون»- بخشی از پا
۸- مهم- مشت تودهنی- برتر و بالاتر از دیگران
۹- مقابل «فراموشی»- آنزیمی که نشاسته را به مولکول‌های ساده تبدیل می‌کند- فرزین شطرنج
۱۰- الهه اقیانوس‌ها- گرانبها- کشوری در غرب اروپا
۱۱- به‌کلی- نامی برای خانم‌ها- همراه سالاد
۱۲- سقف منحنی- در آغاز پیدایش یا فعالیت- درهم‌پیچیده- بیماری پوستی
۱۳- دوستی- کال- الهه نور
۱۴- خوشخو و پاکدل- موزه «پاریس»- خطاب بی‌ادب
۱۵- علامت مصدر جعلی- اثر صادق هدایت

عمودی

۱- ملیت «عبدالرزاق قورنه» برنده جایزه نوبل ادبیات سال ۲۰۲۱- درختی در بهشت
۲- اخلاص- ایالت «هند»- دست‌افزار
۳- رشته تزئینی- دایر- انتقام
۴- همدم- بانی- حرف عطف عربی- دور کردن
۵- دختر گشتاسب- درد و مرض- مخفف اگر
۶- امر به گفتن- برملا کردن راز- بوزینه
۷- شهر «مجارستان»- روی خط بودن در اصطلاح فضای اینترنت- تکانه
۸- اتحادیه‌ای از شرکت‌ها- مقابل فاز!- سبکی در معماری غرب
۹- رنگی برای خودرو- آب‌مایه ساقه گیاه- غذای بیمار
۱۰- از لوازم تحریر- صاف، گوارا- باران کم
۱۱- حرف روسی- غذایی محبوب در «لبنان»- عمق
۱۲- بیماری گیاهان!- نمایش تلویزیونی مقابل «آستری»- پیشوای منتخب کاردینال‌ها
۱۳- دهی در بخش «بزمان» شهرستان ایرانشهر- گیاهی دارویی- اصل و نژاد
۱۴- راه فرار- معروف- همراه غذا
۱۵- بخشی از بدنه یک خودرو یا وسیله نقلیه دیگر- شهری بندری از توابع بوشهر

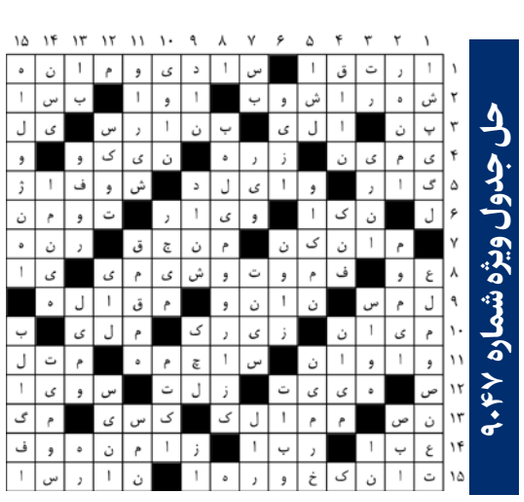

حل جدول ویژه شماره ۹۰۴۷

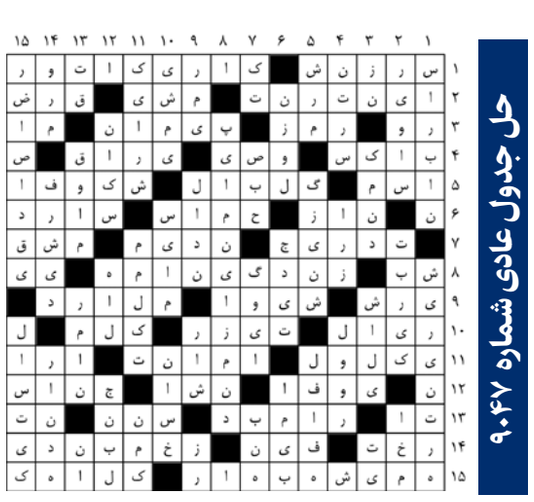

حل جدول عادی شماره ۹۰۴۷